



فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

سال دوم، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۸

www.qpjjournal.ir

ISSN : 2645-6478

نگاهی مجمل با دیدی ساختارگرایانه بر نفثه‌المصدر زیدری

دکتر ابوالفضل غنی زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۲/۱۴

چکیده

مأموریت ساختارگرایی در حوزه ادبیات، تجزیه و تحلیل نوشته، تفکیک آثار و انواع ادبی، بررسی مؤلفه‌های بیرونی تأثیرگذار در ظهور یک ژانر هنری است. طرفداران این مکتب قواعدی برای تشریح آثار نویسندگان معرفی نموده‌اند؛ که جنبه‌های زیباشناختی یک اثر را معرفی کرده و نوشته را در مقام مقایسه با سایر آثار قرار می‌دهد و ضمن تسهیل نقد و ارزشیابی اثر، میزان توانمندی آفریننده آن را معلوم می‌سازد.

در میان آثار ادبی نوع سنتی آن به دلیل پیچیدگی‌های معنایی بیشتر از نوشته‌های معاصر نیاز به این نوع بررسی‌ها دارد و در این راستا این مقاله، نفثه‌المصدر را از دیدگاه ساختارگرایی به بررسی نشسته و تجزیه و تحلیل عوامل بیرونی (ارزش‌های اجتماعی و سیاسی، درآمدهای فکری مؤلف و اراده‌ی تاریخی) و عوامل درونی (فرم، تکنیک و محتوی) آفرینش این متن ادبی را عهده‌دار است. آرایش کلامی نفثه‌المصدر، مصنوع و فنی است و تاکنون اقدامات ادبی- پژوهشی صورت گرفته در حد شرح و توضیح بوده یا حداقل بضاعت مزجات نگارنده توانایی تحصیل یافته‌های دیگر را احراز نموده است. امید است این بررسی ساختاری، در حوزه‌ی ادب، هرچند با قلت داده‌ها، مورد استفاده‌ی ارباب تحقیق و پژوهش قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها:

نفثه‌المصدر، ساختارگرایی، فرم، تکنیک و محتوی

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

^۱ بیسبیورر نئننه بیبی بیر ، ااان. ab.gh9966@gmail.com



مقدمه

در ترکیب و شکل‌گیری پدیده‌های هنری برخی از اجزاء در شکل‌گیری‌شان نقش اساسی دارند و پایه‌های اصلی تلقی می‌شوند و برخی دیگر فرعی. در این بستر آفرینش، شناخت استوانه‌های اصلی و آشنایی به شکل‌های فرعی، ذهن نقد را به سوی حرفه‌ای شدن رهنمون می‌شود و بی‌گمان آشنایی با نقشه سازه‌های اصلی، پیام ساختار را خوب معنی می‌کند.

در قرن بیستم در حوزه ادبیات، دیدگاه تازه‌ای بر مبنای فاز فکری فوق به وقوع پیوست و نسبت به ساختار یک ژانر هنری از دیدگاه ریخت‌شناسی اظهار نظر شد. در این میان زبان‌شناسان روس و مکتب فرمالیسم روسی در تحول نقد ادبی قرن بیستم سهم به‌سزایی داشتند. هرچند فرمالیسم روسی به دلیل تضاد ایدئولوژیک با مبانی فکری نظام حاکم بر شوروی، در اواخر ۱۹۲۰ سرکوب و منزوی شد؛ اما میراث فکری آن، الهام‌بخش بس‌یاری از مکاتب و رویکردهای نقد پس از خود؛ مانند حلقهٔ پراگ، نقد ادبی لهستان، ساختارگرایی فرانسوی و رویکردهای دیگر گردید. (مکاریک، ۱۳۸۴: ۲۰۶) بعدها با قانونی شدن آکادمیک این موضوع به دست سوسور؛ زبان‌شناسی سوئیسی، در سال ۱۹۶۰ حقیقت ساختارگرایی به وقوع پیوست و این مکتب فکری بنیان‌گذاری شد.

اعتقاد مکتب یادشده بر این بود که از بعد ساختاری می‌توان به انواع ادبی شناسنامهٔ هویتی داد و از آن طریق نیز ریخت‌شناسی نمود. ریخت‌شناسی "واژه‌ای است از اصطلاحات زیست‌شناسی که از ساختمان و شکل ظاهری موجودات زنده (اعم از گیاهان و جانوران) و غیره بحث می‌کند" (سرامی، ۱۳۶۸: ۳).

هدف ساختارگرایان، واکاوی ساختمان و اشکال ظاهری متون و هویت بخشی به آن‌ها بود. این گروه "تمام پدیده‌ها و رخدادهای عالم را دارای ساختارهای مشخص می‌دانستند" (شایگانفر، ۱۳۸۴: ۸۴۰) و با این فضای فکری بود که دامنهٔ این رخداد، اکثر علوم را به خود مشغول ساخت و نقل محفل انواع رشته‌های علوم انسانی گردید. در تاریخچهٔ بسیار کوتاه مباحث ساختارگرایی، ژانر هنری (مخصوصاً متون ادبی) بیشتر محور بحث‌ها بوده است.

در بحث ادبی "در حقیقت کار ساختارگرایی، تجزیه ادبیات، تفکیک آثار و انواع ادبی از یکدیگر و تجزیه‌یک اثر ادبی به اجزای متشکل آن است" (مسعود فروزنده، ۱۳۸۷: ۶۴). پژوهش حاضر، ظرفیت ساختارگرایی نفثه‌المصدر را بر این تدبیر مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

پیشینه تحقیق

در حوزه پژوهش ساختاری مقالهٔ "بررسی عناصر انسجام متن در فته‌المصدر بر اساس نظریه هالیدی به‌وسیله احمد امیری خراسانی و همکار در مجلهٔ متن پژوهی ادبی (زبان و ادب پارسی) دانشگاه شهید باهنر کرمان، بهار



۱۳۹۴، دوره ۱۹، شماره ۶۳ به چاپ رسیده است. در مقاله حاضر، با استفاده از نظریه انسجام (Cohesion) متن هایدی و حسن (۱۹۷۶ م.) در زبانشناسی ساختگرا به تحلیل و بررسی کتاب فته‌المصدر پرداخته شده است. بر اساس این نظریه، یکی از ویژگی‌های متن، داشتن انسجام است

در مجله فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) سال چهارم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۰ - شماره، پیاپی ۱۴ ص ۱۴ دیکه مهربان نگاهی تازه به ویژگی‌های زبانی و بلاغی نغته‌المصدر کرده است. نویسنده معتقد است اهمیت نغته به‌عنوان یکی از شاهکارهای بدیع نثر فنی و منشیانه قرن هفتم، علاوه بر جنبه تاریخی، به لحاظ ساختار و ویژگی‌های بدیع آن است. این نوشتار سبک هنری و سبک خاص نغته‌المصدر را معرفی کند.

در مقاله واکاوی ساختاری و زیباشناختی فته‌المصدر که در مجله فنون ادبی دانشگاه اصفهان، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۹۷ به چاپ رسیده است فرشته محبوب فته‌المصدر را اثری متفاوت و ارزشمند و از منظر عناصر متشکله یک داستان قابل تحلیل با الگوهای ساختارگرایی دانسته است.

در مجله جستارهای زبانی دانشگاه اصفهان، شماره ۲ تابستان ۱۳۹۳ در مقاله تحلیل ساختاری زبان غنائی (با تکیه بر فته‌المصدر) امید ذاکری کیش و همکاران فته‌المصدر را از منظر زبانشناسی مورد بررسی قرار داده است.

روش تحقیق

جستار حاضر به روش تحلیل محتوا؛ یکی از شیوه‌های متداول روش کیفی انجام گرفته است. همان «پژوهشی کیفی که دانش را در درجه اول از طریق گردآوری داده‌های کلامی یا مطالعه جدی و عمقی موارد و سپس عرضه این داده‌ها به استقراء تحلیلی فراهم می‌آورد.» (گال و بورک، ۱۳۸۲: ۶۰)

پرسش‌های پژوهش

این تحقیق سعی می‌کند تا به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

- ۱- ارزش‌های اجتماعی و سیاسی در انسجام متن فته‌المصدر از چه وزن برخوردار است؟
- ۲- درآمدهای فکری مؤلف و اراده‌ی تاریخی چه سهمی در انشای فته‌المصدر دارد؟
- ۳- عوامل درونی (فرم، تکنیک و محتوی) مؤثر در از سطح زیبایی‌شناختی برخوردار است؟

مؤلفه‌های مؤثر در آفرینش نغته‌المصدر



آن‌طور در نوشته‌های تاریخی ملاحظه‌ی شود در دوره‌های تاریخی بعد از اسلام، ارباب فکر و هنر برای کسب ویژگی‌های قرابت دیوانی و نزدیکی به دربار حاکمیت، از هیچ سعی و تلاشی فروگذاری نکرده‌اند. نویسندگان و شاعران از این امر مستثنا نیستند و هر کدام برای تحصیل مقام شامخ حوزه‌ی تخصصی خود از مساعی بی‌وقفه دریغ نموده‌اند و در بستر تاریخی ادبیات، مصادیق بارزی از این نوع به‌وفور قابل‌ملاحظه است.

از آنجایی که برای ورود به حوزه‌ی حاکمیتی، زبان و ادبیات درباری، زبان صراف‌ی به شمار می‌آید ناگزیر، شاعر و نویسنده برای کسب مقام فراخور، بایستی از برتری‌های زبان معیار برخوردار می‌شد.

پس از ورود اسلام، زبان حکومتی (عربی)، زبانی بود که برخورداری از آن ملاک کسب مقام رسالت تلقی می‌شد و ارباب ادب به‌ناچار، در یادگیری و تخصص آن گام‌های مهمی برداشتند؛ طوری که بعد از گذشته یک و نیم‌قرن، قوی‌ترین دانشمندان عصر در زبان مقصد، از جرگه‌ی ایرانیان به ظهور رسید و در ظهور آثار هنری، ارزش‌های اجتماعی سیاسی - درآمد‌های فکری مؤلفان و اراده‌ی تاریخی آنان نقش بازی کرده و بنیاد ساختارهای ادبی - پژوهشی زمان را به وقوع رساند. نفثه‌المصدر زیدری نیز همانند سایر آفرینش و پژوهش‌های ادبی از چنین سرنوشتی مجزا نیست.

عوامل درونی

ارزش‌های اجتماعی، سیاسی

مدار مدیریتی دوره نفثه‌المصدر در برهه‌ای از تاریخ به سر می‌برد که نظام حکومتی، ارزش‌های اجتماعی را رقم می‌زند. عدم گستردگی ارتباط، سیستم حاکمیتی مداربسته‌ای، را به وجود آورده بود که مردم بیشتر کیف و کم نظام اداری جامعه را از طریق نقالان شاهنامه در قهوه‌خانه‌ها به گوش می‌نشستند. سازمان رسمی که مستقیماً از توان مالی حکومت برخوردار گردد گستردگی امروزی را نداشت و نویسندگان و شاعران نیز به دنبال «آثار روزی‌رسان» ی بودند که معاش زندگی خود را در حد استعداد خود سامان بخشند، فلذا، از امرای محلی گرفته تا دربار تاجداران بزرگ را، برای اقبال به استقبال می‌رفتند. دقت در قبول عریضه‌ها، توانمندسازی مقبولین درگاه را باعث می‌شد و درخواست‌کنندگان ملازم رکاب، به‌ناچار باید، از استعداد و توانایی ذوقی و قلمی آن‌چنانی بهره‌مند می‌شدند که ظرفیت بهترین کلمات را می‌توانستند در استخوان نظم یا نثر ترصیع نمایند.

از طرفی، زبان مقصود، زبان غیربومی بود و ضمن برخورداری از محدودیت درباری فقط در مراکز رسمی مورد استفاده قرار می‌گرفت از طرفی نظام آموزشی لباس اجتماعی به خود نگرفته بود که یادگیری آن عموم مردم را ممکن گردد. با چنین اوضاعی، محمد زیدری نسوی، انتظارات اجتماعی، سیاسی زمان را اجابت و مقام رسالت ملازم درگاه محمد خوارزمشاهی را به خود اختصاص داده است.



تنفیذ ادبیات دیانتی بر اساس مبانی حکومت دینی، رجحان گفتار بر نوشتار، فن مصنوع در انشاء مراسلات، خطیبانه بودن معماری نوشتاری، داستان‌پردازی و سایر انتظارات حکومت دینی، تنفیذ ادبیات دیانتی را سبب گردید و تعاقب این اتفاق، بر اساس ایدئولوژی حاکم بر اذهان، و انتظارات اجتماع، در حد کافی مطلب عقیدتی وارد متن شد. فقر فرهنگی معماری دیگری در متن نگارش به وجود آورد که اذنا ب مقامه نویسی ی رجال ادب عرب به شمار می‌رفت. یک سیستم نوشتاری که خطیبانه بودن و گفتمان منبری را روح می‌دمید.

در دوره ی غزنویان و سامانیان، (عصر خردگرایی) بیشتر غنای محتوای نوشته‌ها مورد انتظار بود، بعدها، سباق در عربی کردن سیاق نوشته‌ها، روح و نمای دست‌نوشته‌ها را به‌سوی مصنوع شدن، سوق داد. هرچند آوازه‌های ساده‌نویسی ی ادوار قبل در نفثه به چشم می‌خورد، ولی اقلیتی بیش نمی‌تواند باشد. زبان بومی دربار عربی بود و کسانی می‌توانستند در برقراری ارتباط خودنمایی کنند که به آئین‌نامه عربی آگاهی داشتند. این منافسه در بین رجال ادب و این افق پیشرفت به مراتبی قدم گذاشت که تبدیل به یک سرمایه اجتماعی گردید و در قرن مورد بحث جزو و عضو جنبش ذاتی قلم‌به‌دستان و مترسلان حکومتی گردید.

شیوه‌ی منبر گویی، از آن مبلغان دینی بود که شیوه‌ی بسط لفظی و معنوی را به‌جای روش تراکم به کار می‌بردند. این موضوع در بین ارباب قلم تا جایی پیش رفت که در آرایش کلامی نفثه جز این تصویری نمی‌توان ترسیم نمود.

سیستم آموزشی در جهت حصول ارزش‌های اجتماعی، با توجه به عقاید رجال حاکمه و نیاز اجتماعی مردم، صبغه‌ی اکثرأ دینی به خود گرفته بود و این خواه‌ناخواه محتوای مطالب نوشتاری را تحت تأثیر قرار می‌داد.

درآمدهای فکری مؤلف

«عاطفه، ماده‌ای خام یا ماده‌ی اولیه‌ای است که هنرمند از آن کمک می‌گیرد و از طریق آفرینش هنری آن را به ماده‌ی دیگر جز ماده‌ی عواطف و افکار تغییر می‌دهد (غریب، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

هنرمند در خلق اثر هنری، از درآمدهای فکری و قدرت تخیل خود استفاده می‌کند، از بافت موسیقایی شمه‌ای بر آن افزوده و با روح زنده‌ی احساس به مخاطب عرضه می‌دارد. میزان چاشنی مورد انتظاری از هرکدام، در حدی است که تعادل ژانر ادبی را در وجه مستحسن، برقرار نماید. «تعادل بین عواملی محتوایی، عاطفه و تخیل در نهایت با عناصر شکلی. کمترین تفوق یا نادیده گرفتن یکی از عناصر نسبت به عنصر دیگر سبب به هم خوردن این تعادل خواهد شد.» (کریم زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۰) و وجهه متن را از پذیرش و استقبال اذهان دور خواهد ساخت. هرکدام از مطالب مدنظر بالقوه در نویسنده خلق، و با استمرار، کسب تجربه و به‌کارگیری اندوخته‌ها، در فرصت رونق، چهره می‌نماید. تخیل، قوی‌ترین مسئولیت را در زیباسازی داده‌ها در آفرینش هنری بر عهده دارد. تخیل عبارت است از



«کوشش ذهن هنرمند در کشف روابط پنهانی اشیاء... یا نیرویی که در میان مفاهیم و اشیاء ارتباطی برقرار کند که دیگران آن را درنیافته‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۹۶-۹۷).

علاوه بر توانایی هنری (تخیل، بافت موسیقایی و روح ارتباطی کلام)، آورده‌های علمی یک مؤلف، بهترین داده‌ی یک فرایند نویسندگی به شمار می‌رود و معمولاً آنچه از دیگران می‌آموزند با نیرویی ذکر شده، هنرمندانه، به‌عنوان اثر هنری پدیدار می‌سازند. برای تشحیذ خاطر و صقال دماغ دبیر «خواندن کلام رب العزه، اخبار مصطفی (ص)، آثار صحابه، امثال عرب و کلمات عجم، مطالعات کسب سلف و کتب معتبر عربی، مقامات توفیقات و ...» واجب می‌نماید. بی‌گمان آنچه در چهارمقاله نظامی عروضی برای یک نویسنده، اجرای آن واجب دانسته شده، برای نویسنده نفثه هم نه سیاه‌وسفید بلکه در قالب رنگی، به‌کارگیری آن واجب می‌نمود.

مسلماً آنچه با توجه به قریحه و استعداد نویسنده از مطالعه موارد فوق به دست می‌آید، یافته‌هایی هستند که در خلق اثر ادبی، داده‌های اولیه تلقی خواهند شد.

علوم رایج زمان، به انضمام آنچه از نوشته‌های گذشتگان در قالب موارث ادبی مورد استفاده قرار گرفت یافته‌های علمی نویسنده نفثه به شمار می‌آید، اکثر موارد در کتاب نفثه‌المصدر مورد استفاده قرار گرفته، مخصوصاً امثال و حکم عربی و فارسی، احادیث و آیات بیشتر از سایر موارد ادبی به کار گرفته شده است.

نثر مصنوع و فنی که برای خود آرایش کلامی بخصوصی دارد - در بحث تکنیک زبانی در حد وفور از آن سخن رانده خواهد شد - مملو از صنایع لفظی و معنوی و آرایه‌های ادبی است و تزریق روح موسیقی در انتخاب کلمات متناسب، ذائقه مخاطب را با شیوایی به ظهور رسانده است.

استفاده شایان توجه از آرایه‌های ادبی تناسبی، تسلط نویسنده را بر علوم بلاغی متعین می‌سازد و خالی از لطف نخواهد بود از مصطلحات نجومی، طبی به‌کاررفته گزارش ارائه گردد.

آوا محوری را با تکرار واج‌های صامت و مصوت بازار بخشیده، هم‌صدایی (Assonanse) و هم حروفی (Aliteration) رقص حروف را معنی داده است. در نفثه، با توجه به انتخاب عالمانه نویسنده و قدرت قلمی ایشان، مطالب از جنبش ذاتی برخوردارند. در عین حرکت، نفسی دیگر تازه می‌کنند و قدرت می‌گیرند.

بستر سخن زیدری، فنی و مصنوع تلقی می‌شود، در این میان، استفاده از اشعار شاعران فارسی و تازی، که رنگ تعلیمی کلامی در خود دارند، زیاد به چشم می‌خورد. کثرت کلمات با بار معنایی متنوع، و ایضاح قلب‌وار، برای وصف یا هجو، گاهی خسته‌کننده می‌نماید.



تعبیرات عربی با توجه به رسم نویسندگی روزگار و نوع تعلیم و مطالعه ایشان، قابل تأمل است. «اشعار فارسی بیش از سه بیت بندرت یافت می‌شود» و این، از هویت منبر گویی نشانه می‌راند. «امثال عربی و فارسی، آیات و احادیث در متن از گستره‌ی چشمگیری برخوردار است.»

ارادهٔ تاریخی

«برای یک تفسیر صحیح، هم باید به ذهنیت خصوصی مؤلف نقب زد (آورده‌های علمی، تخیل و...) و هم بایستی به بافت و زمینه فرهنگی و تاریخی او آگاه بود.» (بیات و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۵۸۱).

زمان وقتی می‌گذرد تاریخ انسان نکات آن را می‌نویسد و سیانت می‌کند تا برای آیندگان بازگو نماید. اینکه تاریخ انسان می‌سازد یا انسان‌ها تاریخ می‌سازند دو مقوله منطقی هستند و تأثیر این دو پدیده را بر همدیگر نمی‌توان نادیده گرفت.

فرایند زمان، برای خود موقعیت خاصی دارد و اگر پدیده‌های اجتماعی را بدون دخالت آن ارزیابی کنیم، سنجشی نادرست به وقوع خواهد پیوست. ای بسا، اتفاق کوچک، در برهه‌ی خاصی از زمان از تأثیر حیاتی برخوردار بوده، و بار امتیاز عمیقی داشته باشد، که پس از گذشت زمان، نوش دار بودن آن معنی ببازد. زمان، تنفس حیات‌بخش است و در بررسی وقایع و ظهور پدیده‌های اجتماعی و آثار هنری بدون توجه به تاریخ، قضاوت‌ها ناعادلانه خواهد بود. تاریخ در بستر خود سنت، فرهنگ و حوادثی دارد که تفسیر متن بدون دخالت آن ناصحیح از آب بیرون خواهد آمد. «ساختارگرایان، پیام متن را از طریق ساختار و شالوده‌ی متن می‌یابند. به عقیده‌ی آنان، هر متن، پیچیده‌ای از نمادها و علائم است که می‌توان به‌وسیله کشف ساختار کلی متن و به‌وسیله شناخت بافت گسترده فرهنگ هر عصر، آن نمادها و علائم را تفسیر کرد (همان، ۱۳۸۶: ۵۸۸).

. هر ساختار برای خود؛ «زیرساخت و ژرف ساختی» دارد. مقوله زیرساخت همان مقدمه‌ی مکانیکی ظهور یک ساختار است که مورد بازخوانی قرار گرفت. اما دو مقوله دیگر را که به سیستم وجودی خود ساختار مربوط می‌شود تحت عناوین، فرم، تکنیک و مضمون به شرح ذیل در دامنه تراوش‌های زیدری نسوی مورد بحث قرار می‌گیرد.

عوامل بیرونی

فرم (شکل)

«بهترین ترکیب کلمات، همان ترتیبی است که مفهوم کلی از طریق آن به بهترین وجه بیان می‌شود.» (لارنس پیرین، ۱۰۳: ۱۳۷۳) و این ترکیب کلمات را، قالبی لازم است تا در آن لباس خویشتن را در معرض تلاقی اندیشه‌ها قرار دهد. قالب نوشتاری نفثه‌المصدر، سیستم داستانی به خود دارد و از چاشنی تاریخی روایتی نیز برخوردار



است. آغاز داستان با برگشت از مأموریت اللموت به ظهور می‌رسد (ص ۹) و نویسنده قبل از آن با مقدمه‌ای، توانمندانه، ناملایمات روزگار را با روحیه تبسیط واژه‌ها، بر قلم رانده است. داستان حادثه محور است تا شخصیت محور. تبسیط واژه‌ها، اصل داستان را به کرانه مستور رانده است. مطالب داستان از مواد فردی و اجتماعی برخوردار است و می‌توان در بین ناملایمات تاریخی و جغرافیایی، هم مشکلات نویسنده و هم ابتلائات آن روزگار را فهمید. جنس داستان، بسیار ادبی و مصنوع ملاحظه می‌شود. راوی خودآگاه، به نقل می‌پردازد. معماری کلمات، به هسته فکری می‌چربد. فرم بسیار تعلیق برداشته و بازار بسط و ایضاح خیلی به چشم می‌خورد.

زیدری نویسنده‌ای است، که توانایی قلم خود را به رخ می‌کشد و در ضمن داستان از خصوصی‌ترین مشکلات فردی و اجتماعی، هرچند در کرانه، سخن می‌راند. استفاده از شیوه‌ی خبری، آنچه در بحث زیرساخت‌ها به آن اشاره شد، مانور حضوری کلمات را با گوناگونی رنگین باعث شده است. وحدت نوشتاری عصر و وحدت در منابع مطالعات، بیشتر بستر را برای حضور و ظهور تفکر کلامی مهیا ساخته و فرم چینش کلمات و بار معنایی مواد بکار رفته، هرچند لفظ را مقدم بر معنی دانسته، این مهم را یاری نموده است.

اطاله‌ی کلام، حواشی داستان را خیلی پریها نموده؛ طوری که توانایی ظهور فرع چند برابر اصل شده است، شاید کل حکایت را می‌شد در چند صفحه بیان نمود، ولی شیوه‌ی گستره سازی، متن را حاشیه‌دار نموده و راه آن به‌سوی کلمه بازی آماده کرده است. البته سبک نوشتاری زمان، در رونق بخشیدن به این رسم تأثیر شایان توجهی گذاشته است.

یکی از پایه‌های ساختاری داستان، روایت‌پردازی است. «روایت، بحث کردن، توصیف کردن و تفسیر نمودن» (مقدادی، ۱۳۸۷: ۲۷۷) شیوه‌های انتقال یک داستان به مخاطب بشمار می‌آید. زیدری، با اینکه هدف اصلی‌اش داستان‌پردازی نیست ولی هر چهار شیوه را در این نوشته بسیار مصنوع و ادبی، بکار بسته است.

سیستم داستانی معمولاً «نقل رشته‌ای از حوادث است که برحسب توالی زمان ترتیب یافته باشد.» (فورستر، ۱۳۸۴: ۱۱۸) ولی در نفته این دعوی نیز صورت عمل نبسته است و در قالب داستان به هم خوردگی زمانی تاندازه‌ای به چشم می‌خورد که «ونت آن را زمان پریشی نامیده است» (ایلگتون، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

«روایت معمولاً مسیری دوسویه را داراست؛ داستان و پی‌رنگ. داستان رشته‌ای از رخدادهاست که بر اساس توالی زمان، به هم می‌پیوندد و پی‌رنگ، بازآیی هنری رخدادها در متن است» (احمد اخوت، ۱۳۷۱: ۲۵) واقعاً با تمامی تناسب‌ها، نویسنده‌ی توانای متن مورد بحث، این مقوله‌ی بازآیی هنری را هنرمندانه از عهده برآمده است. با روایت شناسی که «به دنبال شناخت سبک، ساخت و دلالت‌ها، در متون راوی است» (ابراهیم، ۲۰۰۵: ۷-۹) می‌توان توانایی ظرفیت‌های این مهم را بیشتر به بیان کشید.



تکنیک زبانی

تکنیک همان فن است و در هر فردی منحصر فرد بوده و نسبت به سایر افراد از جامه‌ی متمایزی برخوردار می‌باشد. هر چند اسلوب زبان در آفرینش فن دخالت معنی‌دار دارد، ولی باز ذائقه‌ی افراد و هنرنمایی آن‌ها و قوه‌ی وراثت توانمندتر از بقیه در تکنیک زبانی افراد نقش بازی می‌کنند.

انتخاب نوع کلمه، چینش به‌خصوص آن‌ها در تولید انرژی جملات سهم به‌سزایی دارد. طراحی تکیه‌گاه‌ها، ایجاد جنبه موسیقایی و تناسب آفرینی، مسلماً در ژانر هنری جذابیت خواهد آفرید. نویسنده نفثه‌المصدر، لفظ قلم گسترده‌ای به ظهور رسانده است. جنس رفتاری قلم ایشان بیشتر کلمه بازی و تناسب آفرینی است. متن با اینکه از جنس توصیفی- تاریخی ذاتی برخوردار است؛ ولی نمایش سیاه‌وسفیدی تاریخی را به خود نبسته و همواره از پرده نمایشی رنگینی صحنه‌پردازی می‌شود.

الفاظ بکار گرفته با توجه به کردار نوشتاری نویسنده، جنبه استبدادی و کسوت وراجی پوشیده‌اند. متن بلادریغ از بدو کلام تا انتها، در «بستر چندمعنائی واژه‌ها»، هنرنمایی می‌کند. تناسب به‌قدری در صحنه پردازی‌ها، نقش بازی کرده و قدرت به الفاظ بخشیده است که واقعاً «جملات گاهی به شعر پهلو می‌زنند.» موسیقی کلمه و کلام، در هنرپیشگی همواره نقش پایداری داشته و در سرتاسر کتاب، همواره، برجستگی هنرمندانه خود را حفظ کرده است.

«در زندگی روزمره، چه بسیار چیزهای پیش‌پاافتاده و همه‌جا یاب و بی‌ارج یافته می‌شوند که چون با زبانی آهنگین همراه شوند معنا و حضوری دیگر می‌یابند. (آشوری، ۱۳۷۳: ۳۶) و اگر قدرت انتخاب نویسنده، از ظرافت هنری برخوردار باشد، متن از لونی دیگر چهره خواهد نمود.

«در بدیع لفظی، هدف این است که متوجه شویم گاهی انسجام کلام ادبی بر اثر روابط متعدد آوایی و موسیقایی بین واژه‌هاست، یعنی آن رشته‌ی نامرئی که کلمات را به هم گره می‌زند و بافت ادبی را به وجود می‌آورد ماهیت آوایی و موسیقایی دارد (سیروس شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۲) در صحنه الفاظ نفثه‌المصدر، واقعاً کلمات با هنری جادویی برای ذهن مخاطب رقصی جادوانه تدارک می‌بیند. تضادها، تقارن و شباهت‌ها در بستر تناسب، ذهن را در نظام موسیقایی به عمق می‌خواند که هنوز پیام اصلی متن بی‌خبر در کرانه‌های اختفاء بسر می‌برد.

«همان‌گونه که تقارن‌ها، تضادها و شباهت‌ها، در حوزه‌ی آواهای زبان، موسیقی اصوات را پدید می‌آورند، همین تقارن‌ها و شباهت و تضادها، در حوزه‌ی امور معنایی و ذهنی، موسیقی معنوی را سامان می‌بخشند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۹۳) و این همان «زیبایی رو ساختی و ژرف ساختی» است که بی‌گمان هر اثری را به‌سوی جادوانه ماندن می‌خواند.



«هر اثر ادبی، پیش از هر چیز، رشته صوت‌هایی است که معنی از آن‌ها زاده می‌شود» (رنه ولک و همکار، ۱۳۷۳: ۷۵) و این، معنا را تنوع زیبایی می‌بخشد و با یک رستاخیز هنری، الفاظ را به سوی خودستایی فرامی‌خواند.

محتوی

در حقیقت، مأموریت ذاتی یک نوشته را محتوای آن‌ها بر عهده دارد، پیام اصلی به‌وسیله محتوا به مخاطب انتقال می‌یابد. متن موردبحث ما با توجه به ظرفیت زمان، شکل و تکنیک را آن‌چنان از رونق پیچیدگی برخوردار ساخته که مضمون با تأمل و درنگ عالمانه قابل بهره‌برداری خواهد بود.

نفته‌المصدر، از نظام روایی داستانی چندلایه برخوردار است و در عمق خود مسائل خطیر سیاسی و مدیریتی را شناور می‌سازد. از موارد اجتماعی، فرهنگی، علمی و تاریخی ظرافت‌گویی کرده و نکات ریز فلسفی و اخلاقی را به سلیقه ارائه می‌دهد. نظام فکری حاکم بر متن؛ از غنا، روانی و پختگی برخوردار است و احساس و اندیشه و معنا را در حیطه خود دارد. پیام داستان، در اصل، گم‌شدن معنای زندگی در روزگار نویسنده است، سستی بافت‌های مدیریتی، وقوع توالی حوادث مرگبار را ببار آورده که شخصیت داستان در آن میان، صحنه‌ی ناملایمات را بازآفرینی می‌کند.

هنر می‌تواند واقعیت‌های به‌ظاهر ایستا را دگرگون کند و از آن‌ها نگرشی تازه به مخاطب ارائه دهد. صحنه‌پردازی نویسنده نفته، به‌عنوان یک اثر ادبی، پدیده‌های اجتماعی تاریخ را به نمایش می‌گذارد. یکی از زمینه‌های مورد مطالعه جامعه‌شناسی ادبی، «بررسی و تبیین محتوای آثار ادبی، و ژرفکاوای در زمینه‌های روانی، اجتماعی، فرهنگی و پیدائی آن‌ها» است. نثر مورد نظر در زمینه مسائل روانی، صحنه‌ای از بن‌بست‌های مرگبار را به بیان آورده که مطالعه مطالب، حس انسان‌دوستی را به جنبش درمی‌آورد و از نظر اجتماعی و فرهنگی، شمشیر و خون، سمبل کافی برای بازنمایی می‌تواند باشد.

«سؤال از معنا و مفهوم یک متن می‌تواند به دو طریق مطرح شود؛ نخست اینکه، مؤلف از این متن چه قصد کرده است، و دوم اینکه، این متن برای مخاطب و شنونده چه معنایی می‌دهد؟» (بیات و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۶) قصد مؤلف از نوشتن این نثر مصنوع، همان‌طوری که از اسم نوشته پیدا است، ابراز ناراحتی درونی بوده است. حال بر اساس شیوه‌ی توصیفی که انتخاب نموده، شمه‌ای هم از شرایط اجتماعی و تاریخی بر قلم رانده است.



اما این متن فنی، بر اساس مؤلفه‌های استعمال شده، برای شنونده ایجاد تفکر می‌کند که مملو است از معانی اخلاقی و مفاهیم فلسفی. استفاده از آیات، احادیث، امثال عربی و فارسی و آوردن اشعار تعلیمی از شاعران تازی و فارسی، تعبیرات منحصربه‌فرد و ترکیبات شاذ، گستره‌ای به فکر و اندیشه مخاطب می‌بخشد، که کرانه‌ی آن ناپیدا می‌نماید. اصلاً برای فهم و مفاهیم این کتاب، امروزه، داشتن معلومات کافی در ادب عربی و فارسی و آشنایی عمیق به فن معانی و بیان از ضرورت‌هاست و اگر افادات این نوشته با این مقولات ارزیابی شود، زیدری نسوی با این تألیف، تکلیف علمی خویش را به‌خوبی از عهده برآمده است.

نتیجه‌گیری:

کار ساختگرایی، در حوزه‌ی ادبیات، تجزیه نوشته‌ها، تفکیک آثار و انواع ادبی از یکدیگر و تعیین شاخص برای اجزای متشکله یک متن است. وامل بیرونی مؤثر در آفرینش یک ژانر هنری عبارت‌اند از؛ ارزش‌های اجتماعی و سیاسی، درآمدهای فکری مؤلف و اراده‌ی تاریخی، که در ظهور یک نوشته ادبی، تأثیر می‌گذارند. ساختار ادبی در درون خود متشکل از اجزایی است که عبارت‌اند از؛ فرم، تکنیک، محتوی. فرم به‌وسیله تکنیک در اختیار محتوی قرار می‌گیرد. فرم همان قالبی است که ترکیب کلمات را در لباس خود در معرض تلاقی لندیشه قرار می‌دهد. محتوی؛ مأموریت ذاتی یک نوشته را که انتقال پیام به مخاطب است، بر عهده دارد. تکنیک؛ همان کردار نوشتاری یک نویسنده به حساب می‌آید. نفته‌المصدور زیدری نسوی، از آرایش شکلی بی‌نظیر، تکنیک زبانی زیبا و منحصربه‌فرد، محتوای پربار و فکر پرور برخوردار است که مسلماً ارزش‌های رایج زمان، دارایی فکری و مطالعاتی نویسنده و اراده‌ی تاریخ در ظهور و بروز آن نقش داشته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی



فهرست منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۷۳)، شعر و اندیشه، تهران: نشر مرکز.
- ابراهیم، عبدالله (۲۰۰۵)، موسوعه السرد العربی، الطبعة الاول، بیروت: الموسسه العربیه الادرسات و النشر.
- اخوت، احمد (۱۳۷۱)، دستور زبان داستان، اصفهان: فردا.
- ایگلتون، تری (۱۳۸۰)، پیش درآمدی بر نظریه ادبی، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- بیات، عبدالرسول و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶)، فرهنگ واژه‌ها، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- پرین، لارنس (۱۳۷۳)، درباره شعر، ترجمه فاطمه راکعی، تهران: اطلاعات.
- زیدری نسوی، محمد (۱۳۷۰)، نفته المصدور، تصحیح امیرحسین یزدگردی، نشر فرهنگ.
- سرامی، قدمعلی (۱۳۶۸)، از رنگ گل تا رنج خار- شکل شناسی داستان‌های شاهنامه - تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شایگان فر، حمیدرضا (۱۳۸۴)، نقد ادبی، تهران: دستان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۹)، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران: انتشارات توس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰)، موسیقی شعر، چاپ سوم، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۴)، نگاهی تازه به بدیع، چاپ هفتم، تهران: فردوسی.
- غریب، رز (۱۳۸۷)، نقد بر مبنای زیباشناسی، ترجمه نجمه رجایی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- فروزنده، مسعود (۱۳۸۷)، تحلیل ساختاری طرح داستان ورقه و گلشا عیوقی، مجله دانشکده‌ی ادبیات علوم انسانی دانشگاه تربیت‌معلم، شماره ۱۶ بهار ۱۳۸۷.
- فورستر، ادوارد مورگان (۱۳۸۴)، جنبه‌های رمان، ترجمه ابراهیم یونسی، انتشارات نگاه.
- کریم زاده، علی (۱۳۸۴)، اراده او و ارادت ما، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، خرداد ۱۳۸۴.



گال، مردیت و والتر، بورگ و جویس، گال (۱۳۸۲)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه احمد رضا نصر و همکاران، تهران: سمت.

مقدادی، بهرام (۱۳۷۸)، فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر حاضر، تهران: فکر روز.
مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۴)، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهراڻ مهاجر و محمد نبوی، انتشارات آگه - ۱۳۸۴

ولک، رنه و وارن، آستن (۱۳۷۳)، - نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء موحد و پوران مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.



فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی



A brief, structural approach to Nafsa tul-Masdoor Zeydari

DR.abolfazl ghanizadeh¹

Abstract

The aim of structuralism in literature is to analyze texts and literary genres, and to examine the external parameters involved in the formation of a literary genre. The structuralists have introduced guidelines to describe writers' works, have introduced aesthetic aspects of works and have compared them with other works. They have also criticized works with a focus on the power of literary figures. The classical literary works require such studies more than contemporary works. As such, this article examines Nafsa tul-Masdoor from a structural perspective, and it analyzes the external parameters (social, political values, intellectual foundations of the writer, the history will) as well as internal parameters (form, technique and content) involved in the formation of this work. The figure of speech in Nafsa tul-Masdoor is technical and the literary studies to date have been limited to description and exposition. I hope this structural work help scholars although the data are limited.

Keywords:

Nafsa tul-Masdoor, structuralism, form, technique, content

¹. Assistant Professor Payame Noor University.